

■ دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی

در روزهایی که بر ما گذشت از نخستین سالروز رحلت علامه ذوالفقون، زنده یاد آیت‌الله حسن‌حسین‌زاده آملی عبور کردیم. مقالی که در پی می‌آید، به غربت مکتانت علمی و فلسفی استاد اشاره دارد و برخی بازتاب‌های رسانه‌ای در پی ارتحال آن بزرگ را مورد ارزیابی قرار داده است. امید آنکه مفید و مقبول آید. ■ ■ ■

■ رحلت علامه ذوالفقون یک پرسش بنیادین

ارتحال ملکوتی حضرت استاد ذوقنون آیت‌الله حسن‌حسین‌زاده آملی در سوم مهرماه ۱۴۰۰، ایران اسلامی به ویژه استان مازندران و شهر آمل و لاریجان را در حاله‌ای از غم و اندوه فرو برد و همگان را در برابر این پرسش کلی قرار داد که ایران ما مخصوصاً مراکز علمی و حوزوی از این فیلسوف الهی وعارف‌واصل و مفسرانفسی‌قرآن کریم، چه بهره‌ای برده است؟ آیا فلسفه و عرفان اسلامی از مظلومیت گذشته، در دوران انقلاب اسلامی خارج شده‌اند؟ آیا اندیشه عرفانی امام خمینی(ره) و آثار نفیس آن بزرگوار، جنبش عرفان‌پژوهی را در حوزه و دانشگاه تقویت کرده است؟ یا مدعیان و حامیان قشری گرا، مجال درس و بحث گسترده را به استادان فلسفه و عرفان اسلامی نظیر علامه حسن‌زاده آملی داده‌اند؟ آیا چماق تکفیر چند صدساله علیه فلسفه اسلامی و عالمان عرفان اهل بیت (علیهم‌السلام) شکسته شده است؟

جواب همه این پرسش‌ها را می‌توان در موج گسترده و هدایت‌شده نقدها و اقلب حملات تنداشخاص و جریان‌هایی جست‌وجو کرد که پس از ارتحال حضرت علامه حسن‌زاده آملی شکل گرفت. باینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیان حکیمانه خود، استاد را عالم ربانی و سالک توحیدی دانسته و شخصیت ذوقنون او را تکرار یگانه‌ای در هر قرن قلمداد نمودند که در واقع ترجمان سخن علامه سیدمحمدحسین طباطبایی (رحمه‌الله) درباره استاد است که: «حسن‌زاده را جز امام زمان (عج) کسی نشناخته است.» موج تنگ نظری‌ها و حملات تکراری علیه فلسفه و عرفان اسلامی، این بار به نام حضرت استاد علامه حسن‌زاده آملی، در رسانه‌های مجازی و مجلات جریان‌های ضد فلسفه و عرفان اوج گرفته است. اگر چه پاسخ چندین باره به کسانی که فهم فلسفی و شم عرفانی ندارند، کاری بی‌حاصل است، برای تنویر افکار ملت عزیز ایران و علاقمندان به مباحث فلسفی و عرفانی، به ویژه شاگردان و علاقمندان به حضرت استاد، لازم دیدم مجموعه‌ای را تحت عنوان «تازه‌ها در اندیشه علامه حسن‌زاده آملی» به‌زیور طبع بیاورم، تا کسانی که استاد را تقریر کننده آثار گذشتگان یا شارح اندیشه آنان می‌دانند، با ناآوری‌ها و تاز‌های اندیشه آن بزرگوار در حوزه علوم طبیعی، ادبیات، معرفت‌نفس و روانشناسی، حوزه عرفان نظری و حکمت عملی و نیز شواهد بدیع قرآنی و روایی، آشنایی اجمالی پیدا کنند. حضرت استاد در نهایت ادب و حفظ امانت آثار و اندیشه‌های بزرگان عرصه فلسفه و عرفان، نکاتی تازه و بدیع را در آثار خود آورده‌اند که در عین تصحیح، تنظیم و تکمیل آثار گذشتگان، منشاء تحول در سیرمتون عرفانی و فلسفی محسوب می‌شود، مخصوصاً سیر انفسی حضرت استاد در قرآن کریم و روایت معصومین(ع)، گوی بیان و بنیان از همگان ربوده شد، به قول حافظ:

عشق و شباب و زندگی و فلسفی محسوب می‌شود، مخصوصاً سیر

چون جمع شد معنای گوی بیان توان زد

■ **استاد و روشنگری‌های عالمانه در برابر مخالفان**
موضع حضرت استاد در برابر مخالفت‌ها و اظهار نظر‌های عالمانه جریان‌های ضدفلسفه و عرفان، همواره خویشنداری و در برخی موارد، پاسخ عالمانه و روشنگری بوده است، لکن مظلومیت خود و بزرگان عرصه عرفان و فلسفه اسلامی را می‌رانی انسانی که می‌دانست که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) در قامت یک فقیه عارف و فیلسوف‌نیز نتوانسته است ریشه‌این جریان راخشک‌اند و غیر غربت بر آثار عرفانی و فلسفی و هجوم غرض‌آلود به اندیشه و آثار اقدرت موفقی و از استفاضه مشکانه اضائه و افاضه شما بهره‌مند بوده باشند، تا نهال وجود هر یک شجره طیبه طوبی شود که «أصلها ثابت و فرعها فی السَّماء تُوتی أكلها کل حین یأذن ربُّها».
قرله سبحانه: ﴿لَئِنَّا لَنُنصِّبُ اجْرَمَنَ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾.
با تجدید نحت خالصانه بدان حضرت عرفان اسلامی که بر آمده از اندیشه و سیره آن عزیزان است، همچنان در غربت و بنوا مانده است و ما این غربت را بیانگر راه درست و سلامت عرفان اسلامی می‌دانیم...».

بنده در تالی که در کتاب علامه حسن‌زاده آملی سروده‌ام به غربت استاد اشاره نمودم؛ اما در دانشگاهها شدیداً با بی‌مهری و جان چودامه به راه جانانم

طباقت ماندنم دگر نیبود
چون به جامانده از شهیدانم
زندسیر گشته خیرایستی
خادم پیر خود، چومستمانم
آشنای حدیث غربت‌او
جان فدای غربت‌دورانم
پیر مین کیست؟ جز حسن‌زاده
گرم را رخصت سخن بخشد
درد و داغش تنیده در چانم
دگر از اوج ره مگر دالم

طباقت ماندنم دگر نیبود
چون به جامانده از شهیدانم
خادم پیر خود، چومستمانم
آشنای حدیث غربت‌او
جان فدای غربت‌دورانم
پیر مین کیست؟ جز حسن‌زاده
گرم را رخصت سخن بخشد
درد و داغش تنیده در چانم
دگر از اوج ره مگر دالم

■ منظر استاد، در باب تدریس عرفان اسلامی در دانشگاهها

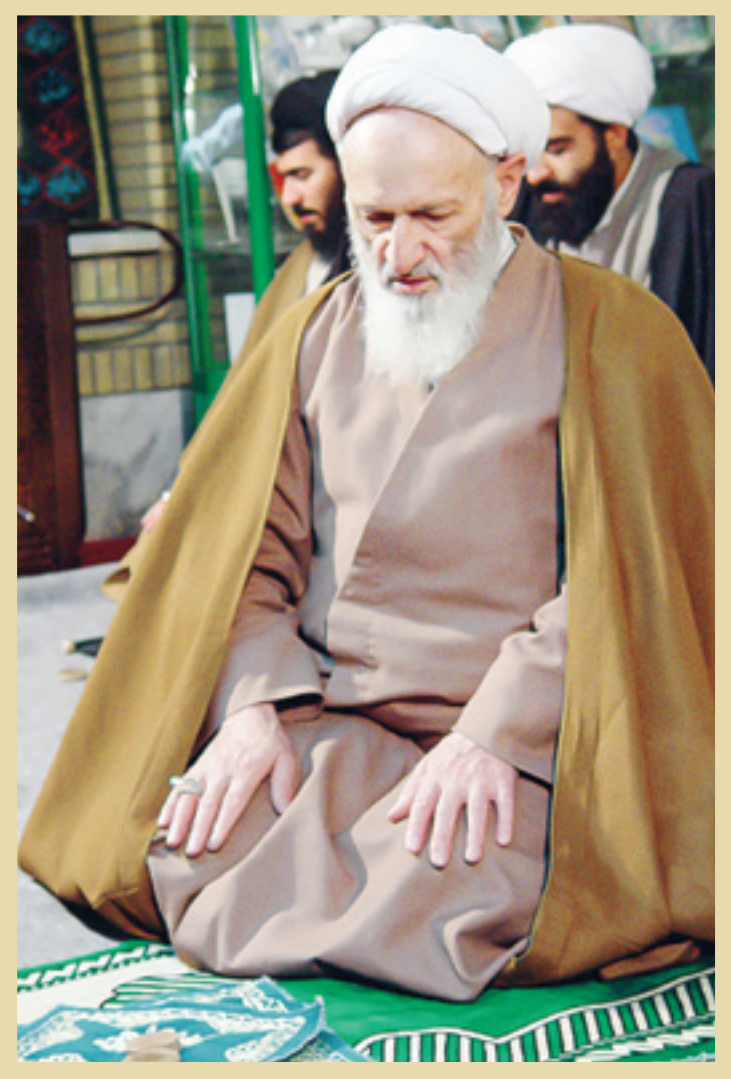
روزی به اتفاق استاد فقید آیت‌الله دکتر شیخ‌الاسلامی، به محضر استاد شریف‌باش شدم تا جواز تدریس عرفان اسلامی در مقطع دکتری را برای حقیر صادر فرماید. استاد فرمود: «جواز تدریس شما را صادر می‌کنم، اما مناسبت عرفان اسلامی با دانشگاه چیست؟ بالاخره عرفان اسلامی با قهر و لطف حوزه‌ها خو گرفته است، اما در دانشگاه‌ها شدیداً با بی‌مهری و مچجوریت مواجه خواهد شد. اصلاً صلاح نیست شما فصوص الحکم و نفعات الایم و... را در دانشگاه‌ها تدریس کنید.»
استاد شیخ‌الاسلامی در توضیح مطلب عرضه داشت: «مراد از تدریس، آشنایی بیشتر با اصطلاحات و تاریخ و مکتب‌های عرفانی و تصوف است، تا دانشجویان مستعد برای فراگیری متون عرفانی شناسایی شوند...». آن بزرگوار در پی این توضیح، اجازه نامه ذیل را برای این حقیر صادر فرمود:

«بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی هدانا لی هذاهنا الی جنبه بنور العلم و العرفان و دعانا الی مآدینة القرآن العرفان و صلواته لاتمامیه السامیه علی أئمة الائم سیمما امامهم التجلی الاعظم محمد النبی الخاتم و اله الهادین

مقالات

کفت و کوم ۸۸۴۹۸۴۲۷



علامه حسن‌زاده آملی در حال اقامه نماز جماعت

سیره زنده یاد علامه حسن حسن‌زاده آملی نمادی از غربت و خویشتن‌داری

حافظ اگر امروز در بین ما بود

شهادت از زیباترین جلوه عشق می‌دید

الی الطریق الامم.

اهدای «سلام قولاً من رب رحیم» و ارائه ارادت بی‌پیرایی به ساحت مبارک دانشور گران‌مایه و استاد ارجمند بلندپایه جناب آقای دکتر منصور لاریجانی (آیذ الله سبحانه‌بالباقائه‌السُّویحیه)

این داعی بدون هیچگونه شائبه ماندنه و مجامله، از حسن سیرت و سربرت و صق نیت و طیب طوالت‌ها و اظهار لیاقت و لیاقت حضرت‌عالی آگاه است، لذا آن جناب را کاردانی شایسته و بایسته‌برای تعلیم و تربیت عرفان‌نظری و عملی و ارتقا و اعتلای کاروان نفوس مستعدّه‌به‌اوج مدارج روحانی‌انس انسانی که پیروزی انقلاب اسلامی در می‌شناسد و می‌داند. امید است که دانش‌پژوهان فرهاتمه فرزام و نفوس شیفته و شیفته، به‌نیل ذروه‌سعادت از خرمن فیض آن مرسبی فرجاد نیکونهاد، برای استفاده‌معنوی روحانی‌سنت‌موفق و از استفاضه مشکانه اضائه و افاضه شما بهره‌مند بوده باشند، تا نهال وجود هر یک شجره طیبه طوبی شود که «أصلها ثابت و فرعها فی السَّماء تُوتی أكلها کل حین یأذن ربُّها».
قرله سبحانه: ﴿لَئِنَّا لَنُنصِّبُ اجْرَمَنَ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾.
با تجدید نحت خالصانه بدان حضرت مستطاب و به همه فرزانگان بهره‌مند از آن جناب، حسن‌زاده آملی (۱۳۷۸/۲۱) ش.».

بنده نیز حتی‌المقدور در قریب ۲۵ سال تدریس، همواره کتب نفیس استاد را در کنار سایر منابع، به دانشجویان معرفی و تدریس می‌کنم و گلچینی از ناوری‌های استاد را در هر کتلی‌فیش‌بردار می‌نمودم که نمونه‌هایی از آن را در اثر مورد اشاره ملاحظه خواهید کرد. البته حضرت استاد اسرار سلوکی را اجازه بیان و افشای از خلوات نداده‌اند، به قول حافظ:

افشای راز خلوتیان خواست کرد شمع
شکر خدا که سر دلش در زبان گرفت
در غزلی که حقیر در ارتحال حضرت استاد علامه حسن‌زاده آملی سروده‌ام به لفظ و اشاره، بعضی عناوین سلوکی ایشان را بیان نمودم.
عاقبت پیر خرابات از این خلقه برفت
رونق از جام می و شوکت میخانه برفت
آن که مشتش چکش وسینه او سندان بود
دل بریان شدش بر سر پیمان‌ه برفت

روزی به اتفاق حضرت آیت‌الله دکتر شیخ‌الاسلامی، به محضر استاد شریف‌باش شدم تا جواز تدریس عرفان اسلامی در مقطع دکتری را برای حقیر صادر فرماید. استاد فرمود: «جواز تدریس شما را صادر می‌کنم، اما مناسبت عرفان اسلامی با دانشگاه چیست؟ بالاخره عرفان اسلامی با قهر و لطف حوزه‌ها خو گرفته است، اما در دانشگاه‌ها شدیداً با بی‌مهری و مچجوریت مواجه خواهد شد. اصلاً صلاح نیست شما فصوص الحکم و نفعات الایم و... را در دانشگاه‌ها تدریس کنید.»
استاد شیخ‌الاسلامی در توضیح مطلب عرضه داشت: «مراد از تدریس، آشنایی بیشتر با اصطلاحات و تاریخ و مکتب‌های عرفانی و تصوف است، تا دانشجویان مستعد برای فراگیری متون عرفانی شناسایی شوند...». آن بزرگوار در پی این توضیح، اجازه نامه ذیل را برای این حقیر صادر فرمود:

«بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی هدانا لی هذاهنا الی جنبه بنور العلم و العرفان و دعانا الی مآدینة القرآن العرفان و صلواته لاتمامیه السامیه علی أئمة الائم سیمما امامهم التجلی الاعظم محمد النبی الخاتم و اله الهادین

غزلی بسیار وصف نمود:

با صبادر چمن لاله سحر می‌گفتم

که کیشان که‌اند این همه خونین‌کفتان

گفت حافظ من و تو محرم این راز نه‌ایم

از می‌لعل حکایت کن و شیرین‌دهنتان

■ **بقعه و بارگاهی در روستای «ایرا» به مثابه دلیل‌راه**

بنابر این راه مستوری و مستی همیشه به روی عاشقان و طالبان معرفت و عشق حقیقی باز است و مخصوصاً استاد عزیز باار تحال خود، راه‌های سلوک برای هر‌وان و علاقمندان بیشری را هموار نموده است. بقعه و بارگاه ایشان در روستای «ایرا»، بیانگر این حقیقت است که خود را از هیاهوی دنیا دور کنید و از سکر غفلت و دنیا طلبی به روستای عزلت نفس خویش درآیید، تا دست اولیای الهی چون قبضه الهی از شما دستگیری کنند. به قول مولوی:

دست او جز قبضه‌الله نیست

آستان مقدس حضرت علامه حسن‌زاده آملی را چون غار کیهف بدانید و در اعراض از دنیا، چون اصحاب کیهف در پرده مستوری خموش بیارمید تا خورشید معرفت بر شما از راست و چپ بتابد: «وَنَقُتْهُمْ ذَاتَ الیمینِ وَ ذَاتَ الشَّمَالِ» (کیف، ۱۸)

اولیا اصحاب کیهفند در جهان

یار با او غار با او در سرود
مُهر بر چشمت است و بر گوشت چه سود

آری اگر مُهر غفلت بر چشم و گوش ما نیاشد، تابش انوار قدسی حضرت استاد را از قبر او که نورستان وصال است، بر تارک لاریجان تا همه جای مازندران و ایران و حتی جهان گسترده خواهیم یافت، چراکه آفتاب اولیای الهی را مغربی جز غروب وصال نیست که چون آینه، مشرق طلوع ابدی آنان در این جهان و آن جهان می‌شود. به قول استاد:

آینه دل چو شود صیقلی

بگری‌اش یا دل تورویه‌روست
وصف دل و وصف خاندان دل
وقت مع‌الله یکی موهه مست



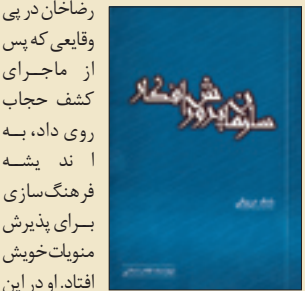
میادت رهبر معظم انقلاب اسلامی، از علامه حسن‌زاده آملی

پیش‌خوان

سازمان پرورش افکار، فرهنگ‌سازی به سبک رضاخانی

نمادی از تعامل روشنفکران با قزاق برای کسب مشر و عیت

■ محمدرضا کائینی



رضاخان در بی وقایعی که پس از ماجرای کشف حجاب روی داد، به ندریشه فرهنگ‌سازی برای پذیرش منویت خویش افتاد. او در این راستا، به تأسیس سازمان پرورش افکار دست زد که همگان به ویژه جوانان را به پذیرش تغییرات متقاعد سازد. اثری که هم اینک به معرفی آنیم، توسط علی‌دریغی و در باره این سازمان تألیف شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. ناشر در بخشی از دیباچه خویش بر این پژوهش، چنین آورده است:

«مشروعیت سیاسی، یکی از دغدغه‌های اصلی رژیم‌های سیاسی و شرط استمرار مسالمت‌آمیز حکومت آنهاست. به همین خاطر فعالیت‌های گسترش حیطه مشروعیت سیاسی انجام می‌گیرد. حکومت‌هایی که از اقتدار لازم برخوردارند، مشکل کمتری در زمینه حفظ مشروعیت سیاسی دارند، ولی حکومت‌هایی که صرفاً به قدرت متکی هستند، همواره در معرض رویارویی با بحران مشروعیت قرار می‌گیرند. حکومت‌های استبدادی، نمونه کامل نوع دوم حکومت‌ها به شمار می‌روند و به همین خاطر تلاش می‌کنند در کنار ابتننای حکومت خود به زور و اجبار از سیاست‌های خاص فرهنگی نیز استفاده کنند، تا مشروعیت سیاسی خود را در سراسر قلمرو مشروعیت خویش گسترش دهند. رژیم دیکتاتوری رضاخان نیز از این قاعده کلی مستثنی نبود. این رژیم پس از تحکیم پایه‌های قدرت خود، با اتکا به



۱۳۱۶. احمد متین‌دفتری در کنار جمعی از دانشجویان خود در دانشگاه تهران

نیروی نظامی و تمسک به ترفندهای سیاسی و پارلمانی، درصدد برآمد که از لحاظ فرهنگی نیز با پرورش افکار، حیطه نفوذ حکومت خود را در این گسترش دهد و نوعی قدرت به دست آمده را به اقتدار تبدیل نماید. سازمان پرورش افکار در راستای علمی کردن چنین تفکری، با به عرصه وجود نهاد، نحوه فعالیت متمرکز این سازمان و ساختار عمودی آن، نمونه جالبی از کل ساختار سیاسی حاکم بر ایران، در عصر پهلوی اول است. از آنجا که استبداد، جوهره حاکمیت سیاسی در عصر رضاخان بود و حتی خود وی با گفتن برنام‌هایش به مانند سایر کمیسیون‌ها، نیاز به امکانات ویژه و تخصیص منابع مالی گزاف (که مقایسه با سایر فعالیت‌ها) نبود، اهمیت ویژه‌ای دارد. سه کمیسیون نمایش، موسیقی و رادیو نیز در یک فصل مورد بحث واقع شده‌اند و در نهایت به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، به بررسی دلایل اقول و انحلال سازمان پرورش افکار پرداخته شده است. در ابتدا نویسنده قصد داشت تا با اختصاص فصلی جداگانه، علل اقول و انحلال این نهاد را بررسی نماید، اما بنا به دلایل مشخصی از آن منصرف گشت. دلیل این امر به نکته ظریفی باز می‌گردد. پس از فروپاشی نظام رضاشاه که امکان نقد عملکرد دوران رضاشاه به وجود آمده بود، به جنگ قطعی و نظایر آن، بیشتر مباحث روزنامه‌ها به مسائل مختلف روزمره‌هایمی‌گشت یا آن‌که نقد و بررسی نظام سابق، بیشتر به حملات تند سیاسی معطوف بود. ضمن آن که نمی‌توان انتظار داشت که در آن مدت کوتاه‌هی که از سبوری شدن نظام رضاشاهی می‌گذشت، نقد جدی و بی‌طرفانه‌ای از نهادهایی مانند پرورش افکار صورت گیرد. بعدها هم که نقدهایی بر این سازمان و نهادهای مشابه وارد شد، یا مبتنی بر مواضع سیاسی بودند یا به صورت کلی به نقد این نهاد پرداخته بودند. باید گفت که در بیشتر موارد، به طور سطحی و غیرمستند با این نهاد برخورد شده است که مشابه یکدیگر و تکراری هستند و موجبات اطاله کلام را فراهم می‌سازند...».